

جدایی به خاطر اسکناس ۵ هزار تومانی!



اسکناس ۵ هزار تومانی زندگی زوج جوان را به هم ریخت. زوجی که تازه با هم ازدواج کرده بودند به دلیل این پول ناچیز تصمیم گرفتند برای همیشه از هم جدا شوند. ماجرا از این قرار بود که وقتی مرد جوان به جای تراول پنجاه هزار تومانی، دو عدد اسکناس ۵ هزار تومانی گرفت، همسرش عصبانی شد، دعوا به راه افتاد و کارشان به جدایی کشید.

مرد جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی اش گفت: همسر من زنی خودخواه و خودرای است. تازه با او ازدواج کرده ام ولی همین اول ازدواج فهمیدم که زن زندگی نیست و به من اهمیت نمی دهد. شاید باورتان نشود ولی زندگی ما فقط به دلیل یک اسکناس ۵ هزار تومانی به هم ریخت. ماجرا از این قرار بود که یک روز راضیه از من خواست که طلاهایش را به طلافروشی ببرم و بفروشم. می خواست با پولش طلای بهتری بخرد. من هم آن را به مغازه بردم. طلا را به قیمت روز فروختم. فروشنده مبلغ را به حسابم واریز کرد اما مبلغ ۵۰ هزار تومان آن را به صورت نقدی و تراول پرداخت کرد.

هنگام بازگشت از یک دست فروش چیزی خریدم. یک تراول صد هزار تومانی به او دادم و بقیه پولم را برگرداند. وقتی به خانه برگشتم متوجه شدم که آن دست فروش به جای تراول ۵۰ هزار تومانی یک اسکناس ۵ هزار تومانی به من داده است. حالا نمی دانم از عمد این کار را کرده بود یا این که او نیز مثل من حواسش نبوده ولی هرچه بود راضیه وقتی موضوع را فهمید دادوبیداد راه انداخت و به من گفت که بی عرضهام و نمی توانم از پس کارهایم برآیم و مرتب سرم داد می کشید.

من دوباره پیش آن دست فروش برگشتم ولی آنجا نبود. وقتی به خانه برگشتم راضیه بیشتر جنجال به پا کرد و آنقدر گفت که من هم از کوره در رفتم، دادو فریاد کردم و دعوای ما بالا گرفت. آنقدر که کار به کتک کاری و پلیس کشید. همسایه ها به پلیس زنگ زده بودند. همسر من هم از من شکایت کرد. همان زمان فهمیدم که این زن اصلاً زن زندگی نیست و من نمی توانم در کنارش خوشبخت و آرام باشم. ما تازه ۷۰ روز بود که با هم ازدواج کرده بودیم ولی همان زمان تصمیم به جدایی گرفتیم.

کتم زد، شکایت کردم

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم مرا کتک زد. من به خاطر این که به راحتی سرش کلاه گذاشته اند عصبانی شدم چون بار اولش نبود. هربار از خانه بیرون می رفتم یک اتفاقی می افتاد. در کل شوهرم مرد بی خیال و حواس پرتی است و این حواس پرتی نیز همیشه کار دستش داده است. وقتی دیدم به جای تراول به او اسکناس ۵ هزار تومانی داده اند، دیگر طاقت نیاوردم، عصبانی شدم و با هم دعوا کردیم ولی او نیز خودش را نشان داد. مرا کتک زد و آبرویم را جلوی همسایه ها برد. تازه آنجا بود که آن روی واقعی شوهرم را دیدم و فهمیدم مرد قابل اعتمادی نیست. وقتی پلیس آمد آنقدر عصبانی بودم که از شوهرم به اتهام ضرب و شتم شکایت کردم ولی خیلی زود شکایتم را پس گرفتم. حالا هم دیگر نمی خواهم در کنارش زندگی کنم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با یک مشاوره خانواده نیز مشورت کنند.

آگاهی لازم در برخورد با تغییرات را داشته باشید

سارا شقاقی، روان شناس در این باره می گوید: زندگی مشترک پیچیدگی ها و تغییر و تحولات مداومی دارد. زن و مرد در آغاز زندگی مشترک با پستی و بلندی های بسیاری مواجه خواهند شد. برای همین افراد برای ازدواج و شروع زندگی مشترک خود به یک روان شناس متخصص نیاز دارند. زندگی مشترک مولفه هایی دارد که باعث یک زندگی موفق می شود. تشخیص این مولفه ها می تواند توسط روان شناس و مشاوره خانواده میسر شود. یعنی اگر افراد، مناسبات ازدواج را نادیده بگیرند، همین موضوع می تواند باعث شود که یک ازدواج پایدار و موفق شکل نگیرد. در این پرونده دو اتفاق باعث شد زوج جوان تصمیم به جدایی بگیرند؛ یکی از مولفه ها بی خیالی همسر و ناراحتی همسر از آن و مولفه دیگر کتک زدن در عصبانیت است. مولفه اول را همانطور که ابتدای بحث گفتیم می توان با کمک کارشناسان و مشاوران حل کرد اما درخصوص مولفه دوم موضوع جدی است. بررسی پرونده های طلاق نشان می دهد، کتک کاری زنان و بد رفتاری و همسر آزاری یکی از دلایل درخواست زنان برای طلاق بوده و خشونت علیه زنان، پدیده شایع و تأسف باری است که ابعاد گسترده آن زمینه آسیب های فردی و اجتماعی متعددی را نسبت به آنها، خانواده و جامعه فراهم می آورد. تنبیه بدنی اساساً نشان دهنده عقب ماندگی فرهنگی و یادگار دوران مردسالاری در خانواده است که امروزه با توجه به تحولاتی که از حیث فرهنگی و اجتماعی در جوامع صورت گرفته این امر شدیداً مورد نکوهش است. به ویژه از نظر شرع مقدس اسلام و بزرگان دین نهی شده است خانواده بیش از آن که با تنبیه اداره شود باید براساس تفاهم اداره شود و بیش از آن که بر آن قانون حاکم باشد باید اخلاق حاکم باشد.



به ویژه از نظر شرع
مقدس اسلام و بزرگان
دین نهی شده است
خانواده بیش از آن که
با تنبیه اداره شود باید
براساس تفاهم اداره
شود و بیش از آن که بر
آن قانون حاکم باشد
باید اخلاق حاکم باشد



باند داداش های آدمکش

در این ستون زندگی قاتلان و جنایتکاران معروف ایران که سرنوشتی جز چوبه دار نداشتند، به نوعی از زبان خود و بر اساس اعترافاتشان در دادسرا و دادگاه مرور می شود. این هفته سراغ گانگستری رفتیم که با ۲ برادرش شبکه خطرناک سرقت تشکیل داده بود.

متولد سال ۱۳۵۰ در فلاورجان هستم. همراه دو برادرم تصمیم گرفتیم باندی تشکیل دهیم و مسلحانه سرقت کنیم. اغلب در پوشش مامور، سرقت های خود را انجام می دادیم و اگر با مقاومت مالباخته ای روبه رو می شدیم، به راحتی دست به اسلحه می بردیم.

یادم هست اولین سرقت خود را در سال ۷۹ آغاز کردیم. به یک طلافروشی با اسلحه و لباس نظامی حمله کرده و با سرقت طلاها فرار کردیم. برای آن که ردی از خود باقی نگذاریم، قبل از اجرای نقشه، خودرویی سرقت می کردیم و بعد از سرقت

ساقی با چوبه دار

خودرو را رها می کردیم. اولین قتل را سال ۸۸ و در جریان سرقت از یک طلافروشی انجام دادم. طلافروش در برابر ما مقاومت کرد و مجبور شدم شلیک کنم. بعد از آن، همچنان به سرقت ها ادامه دادیم. گاهی که در ایست بازرسی پلیس گیر می کردیم، با پوشیدن چادر یا لباس روحانیت از مخمصه فرار می کردیم. ۱۱ دی ماه ۹۳ خط پایان جرایم ما بود. در جاده خمین گلپایگان ماموران به ما مشکوک شدند و با آنها درگیر شدیم.

در این درگیری یکی از برادرانم کشته شد. ما به فرار ادامه دادیم تا این که در گلپایگان دوباره با ماموران درگیر شده و تیراندازی کردیم که پنج مامور پلیس و ابر هدف گلوله قرار گرفتند و سرانجام ماموران دستگیرم کردند. در جریان دادگاه کیفرخواست علیه من خوانده شد و به قتل ۹ نفر و مجروحیت ۲۲ نفر دیگر در جریان سرقت ها و فرار از دست ماموران متهم و پس از محاکمه به قصاص محکوم شدم. این رای در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و هشتم بهمن ۱۳۹۳ در ملأ عام اجرا شد.